



گریه‌ی شیر آب

شیرِ حیاتِ خانه
انگار داشت دل‌درد
وقتی که دیدم او را
آرام گریه می‌کرد

بابا کنارم آمد
فهمید ماجرا را
آچار و واشر نو
بردم برای بابا

شیرِ حیات، سالم
با کارهای ما شد
اشکش نریخت دیگر
خوشحال و بی‌صدا شد

